



تمام دستاوردهای خوب زندگی تو از همین سؤال آغاز می‌شود. تو با این پرسش به دنیایی از خودآگاهی قدم می‌گذاری و آن‌گاه که در پی پاسخ بر می‌آئی، درخواستی یافت که در جهان آفرینش، در این مجموعه بی‌انتهای که پر از زیباترین آفریده‌هایی است که یک دنیایی از شگفتی‌ها در درون دارند، کجا ایستاده‌ای، قبل از آن که بدانی کیستی، در می‌یابی که از کجا آمدی و ارتباط تو با خدای رحمان چگونه است و چه رشته‌ای تو را به او پیوند می‌دهد و در بزم دل انگیز هستی، از دست کدامین شاهد، جام برمی‌گیری .

به این ترتیب، درخواستی یافت که تو در میان هر آن چه از ازل آفریده شده است، از چه کرامتی برخورداری .

تو در آئینه‌ای افزایش، به روشنی تاج جواهری که بر فراز سرت می‌درخشد، فرشته‌ها را در پیش پایت به سجود و هستی را در برابر به رکوع می‌بینی، روح خدا در جان تو و امانت او در دست توست هراندازه که کرامت و برتری خود را باور کنی و هر اندازه که این اوج و رفعت، این شکوه و عظمت، در وجودت متجلی شود: هویت بی‌نظیر خود را بهتر و عالی‌تر شکل خواهی داد و به ارزش‌ها و ایده‌هایی سر می‌سپاری که پیش، جایگاه تو را در عالم هستی به عنوان نماینده خدا و صاحب ماموریت او تثبیت می‌کنند. رفتار و کردار و پندار تو، همه و همه، تحت تاثیر باورهای که از خودداری، شکل می‌گیرند و مجموعه باورهای توست که پایه و اساس خودشناسی و در نهایت، خداشناسی را تشکیل می‌دهند . وقتی بدانی چه موهبت‌هایی در اختیار داری که در تمام کائنات فقط و فقط این موهبت‌ها به تو هدیه شده‌است و در اولین روز تولد، همراه با هدیه‌ای بی‌نظیر به نام "زندگی" به تو تقدیم شده است، درخواستی یافت که گنج وجودت را چگونه خرج کنی تا خدای رحمان که هنگام آفرینش تو، بر خود، آفرین گفت، همواره به وجود تو ببالد و بر آن چه آفرید افتخار کند.

هر کس به اندازه‌ای که خود را باور کرده و به خود ایمان آورده، ارزشمند است، گاه در فراز و نشیب‌های زندگی به شرایطی بر می‌خوریم که ایمان به‌خوبیش را از دست می‌دهیم و زنجیرهای از خودبیگانی و تعلق، بال پروازمان را می‌بندد و راکد و متوقف می‌شویم و این‌جا تنها عاملی که سبب می‌شود به‌خود رجوع کنیم و به‌خوبی‌اش خویشتن دوباره ایمان بیآوریم تا گرفتار روزمرگی نشویم، "خود آگاهی" است که اشراف و بصیرت لحظه به لحظه نسبت به‌خود را می‌آفریند.

"خودآگاهی" است که در هیاهوی زندگی، ما را به خود می‌خواند و آن‌چه را که هستیم و باید باشیم . یادآوری کرده و در گوش جان‌مان زمزمه می‌کند. خود آگاهی، مقدمه خودشناسی است زیرا خود آگاهی است که هر لحظه به تو می‌گوید. این جا، جای تو نیست : این کار، در شان تو نیست : این سخن، برانزده تو نیست و....

آگاهی، نردبان صعود انسان به اوج قله‌های خودشناسی است . کسی که می‌داند که نمی‌داند، با آن کس که نمی‌داند، هرگز برابر نیست، چرا که آگاهی از نادانی، مقدمه‌ای بر دانایی است؛ همان‌طور که آگاهی از اسارت، لازمه رسیدن به رهایی است.

آن‌چه برای مقدس است، آن که به نامش سوگند می‌خوری، آنان که به وجودشان افتخار می‌کنی، آن ستاره‌های درخشانی که در آسمان زندگی‌ات نوازشانی می‌کنند، آن افتخارهایی که در کارنامه عمرت می‌درخشد، همه هویت تو را نشان می‌دهند. از نخستین روزی که پا به عرصه هستی گذاشتی، هر اتفاقی که در زندگی‌ات افتاد، هر کس را که دیدی و روی تو تأثیر گذاشت، هر حرفی را که شنیدی و پیامی برای تو داشت، هر جا پا گذاشتی که تو را به فکر واداشت، هر رنجی که کشیدی و چشمت را بر حقیقت گشود و هر لذتی که بردی و روح در آسمان عشق و سعادت اوج گرفت و افق‌های جدیدی در برابرت گشود همه و همه در ساختن هویت تو دخیل بوده‌اند. هویت هر انسان به عنوان شکل‌دهنده شخصیت او، هم چون شناسنامه‌ای است که او را به دیگران معرفی می‌کند گر چه بسیاری از باورهای که در عمق شخصیت ما ریشه دوانیده خارج از کنترل ما بوده و ناشی از فرهنگ و محیط تعلیم و تربیت روزهای کودکی ماست، اما "تکنولوژی" ثابت کرده است که هر کس می‌تواند به کمک اجراء یک‌سری تکنیک‌ها و القاء فرمان‌هایی به ضمیر ناخودآگاه خود، با عشق و احساس و تلاش و پشتکار، ریشه باورهای غلط و ویران‌گر را در عمق وجودش بخشکاند و بذر باورهای جدیدی را در مزرعه اندیشه‌های خود بکارد.

هر کس می‌تواند خود را تغییر دهد و از پيله‌ای که یک عمر در آن زندگی کرده، پروانه‌وار بیرون آید و از اسارت باورهای منفی و فکرهای غلط آزاد و رها شود و به این ترتیب، مسیر زندگی و سرنوشت خود را عوض کند. در دنیای هر انسان خودآگاهی و خودشکوفایی، نقاط عطفی وجود دارد: نقاطی که در آنجا مسیر خود را تغییر داده و برگزیده‌های ناکام و بی‌سرنجام خود، خط بطلان کشیده و نحه‌ها، زندگی‌اش، آینه‌ها، طلا، خه، شد ه فادهاگ، نه،، گشده است .

دکتر علیرضا آرمندیان